



چوچه لاکپشت هایی که در ساحل گواتمالا به تازگی از تخم بیرون آمدند. عکس از خبرگزاری فرانسه



نمایی از زندگی در کنار جنگ با تروریسم در سوریه



مسئول چرخ و فلک در شهر «بنگالور»ی هند، پیش از سوار شدن مردم، آن را بازاری می کند!

▪ آبیات نور

پاکدامنی، شرط ایمان است

حجت الاسلام و المسلمین قرائتی در تفسیر آیات ۶ و ۷ سوره مبار که مومنون با این مضمون که: «آنان که دامان خود را حفظ می کنند مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده اند، که [در این موارد] ملامتی بر آنان نیست. پس هر که فراتر از این را طلب کند، متجاوز است.» نکاتی را مطرح فرموده اند که در ادامه می خوانید:
۱- پاکدامنی، شرط ایمان و آلودگی نشانه ضعف ایمان است.
۲- غریزه جنسی، طغیانگر است و به کنترل و حفاظت نیاز دارد.
۳- در ارضای غریزه جنسی، محدودیت لازم است، ولی ممنوعیت خلاف فطرت است.
۴- ازدواج، راهکار اسلام برای ارضای نیاز جنسی است.
۵- جوانی که با عنوان آزادی جنسی و از روی راحت طلبی ازدواج را ترک می کند و یا به تأخیر می اندازد، قابل ملامت است؛ نه آن که به جای گناه و روابط نامشروع، تن به ازدواج می دهد.
۶- هر گونه راهی غیر از ازدواج، برای ارضای نیاز جنسی، تجاوز به حدود الهی است.
برگرفته از کتاب «تفسیر آیات برگزیده»، ص ۱۴۸

▪ در محضر بزرگان

فقط خدا

مرحوم حاج اسماعیل دولابی درباره واقف بودن به قدرت و عظمت خداوند فرموده اند: «از هر چیز تعریف کردی، بگو مال خداست و کار خداست. نکند خدا را بیوشانی و آن را به خودت یا به دیگران نسبت بدهی که ظلمی بزرگ تر از این نیست. اگر این نکته را رعایت کنی، از وادی امن سر در می آوری. هر وقت خواستی از کسی یا چیزی تعریف کنی، از ربت تعریف کن. بیا و از این تاریخ تصمیم بگیر حرفی نزنن مگر از او. هر زیبایی و خوبی که دیدی، ربت را یاد کن؛ همان طور که امیرالمومنین (ع) در دعای همه اول ذی الحجه می فرماید: به عدد همه چیزهای عالم لا اله الا الله.»

برگرفته از کتاب «مصباح الهدی»، ص ۱۹

▪ زندگی بزرگان

درس خواندن برای خدمت

[در زندان رژیم بعث] قرار شد به اتفاق آقای موسوی یک کلاس خصوصی با حاج آقای ابو ترابی داشته باشیم. اولین جلسه که خدمتش رسیدیم پرسید: «کجا بنشینیم؟» گفتم: «جایی که هیچکس مزاحم ما نشود.» نگاه توبیخ آمیزی به من کرد و پیکر است رفت و در مقابل اتاق شانزده نشست. تا درس را شروع کرد بعضی از آزادگان می آمدند و به ایشان سلام می کردند. او هم تمام قد بلند می شد و با آن ها احوالپرسی گرم می کرد. حدود بیست دقیقه از وقت ۴۵ دقیقه ای کلاس با احوالپرسی ها گذشت. آخر کلاس به ما گفت: «درس خواندن برای خدمت است.»
برگرفته از کتاب «به لطافت باران» نوشته یژن کبانی

▪ فتوشعر



طرح: آذین قاسمی

▪ واژه شناسی

زمستان

زمستان یعنی سردستان. «زم» و «زم» و «سِم» و «شم» پیشوندهایی به معنای سرد هستند. «زم» در واژه هایی چون زمستان (سرماستان) و زمین (بِخ بستنه) و زمهریر (جای سرد دوزخ) یافت می شود و «سِم» در سمیرم شهر خنک استان اصفهان. «شم» در Sherman یا شمیران که به معنی دامنه سرد است و در برابر تهران (دامنه گرم) قرار دارد.

برگرفته از کتاب «ریشه بای واژگان» اثر عادل انکیوس

▪ فتونکته



▪ اندک صبر

منظومه هستی

مادر من بشین می خواهم دورت بگردم تا منظومه شمسی از اعتبار بیفتد!

ناصر رعیت نواز

▪ دور دنیا

سرآشپز مدرن

آدنیزوز یک شرکت سوئیس به تازگی دستگاه کوچکی را به نام «سرآشپز مخصوص» روانه بازار کرده که با الهام از دستگاه های قهوه ساز ساخته شده و به کاربرانش این امکان را می دهد تا تنها با فشار دادن یک دکمه غذاهای فانتزی خوشمزه ای را تحویل بگیرند. این روبات سرآشپز با کیسول هوا و گازهای مجاز غذاها را به راحتی و سرعت می پزد.

جوان ترین روبات ساز

آدیتی سترال یک نوجوان ۱۵ ساله یونانی موفق شد با ساخت روباتی انسان نما با ابعاد واقعی یک انسان، عنوان جوان ترین سازنده روبات انسانی را از آن خود کند. «دیمیتریس هاتزیس» با صرف ۱۴۰۰ ساعت زمان و ساخت ۴۷۵ قطعه پلاستیکی مختلف که توسط دستگاه های چاپ سه بعدی، تهیه شدند، توانست این روبات ۱۸۵ سانتی متری را بسازد.

کرم مغزی!

مترو؛ لوئیس اورتیز؛ دانشجوی ۲۶ ساله کالیفرنایی است که بعد از یک دوره سردردهای طولانی، به کما رفت و در نهایت پزشکان با عکس برداری از سر او متوجه شدند که یک کرم انگلی در مغزش زندگی می کند! این کرم که به گفته پزشکان ممکن است با خوردن یک تکه گوشت خام آلوده وارد بدن او شده باشد، با یک جراحی طولانی از مغزش خارج شد.

▪ نامه ها

نامه ای به یک دوست خارجی پسند

سلام، می خواهم از شما گلایه کنم که به توصیه من در به کار بردن واژگان خارجی چندان توجهی نکرده اید. همچنین برای چندمین بار تأکید کنم که واژگان خودی را در اولویت سخن خود قرار دهید. متأسفانه شما حتی واژه هایی را که ریشه چند صد ساله و بیشتر در زبان فارسی دارند به راحتی با واژه های بیگانه عوض کرده اید. به عنوان مثال به واژه «اندازه» گفتید «سایز». شما به غدا فروش هایی که خوراک برای بیرون می پزند گفتید «کترینگ»، در حالی که واژه «بیرون بر» بسیار زیباتر است. همچنین واژه ورزشی «شهرآورد» به این زیبایی را حذف و به جای آن از واژه بیگانه «دربی» استفاده کردید. از این بدتر این که بعضی از واژگان فارسی حذف شد و به جای آن نه واژه جدید بلکه علامات اختصاری گذاشته شد مثل کلمه «ویژه» که تبدیل شد به «VIP» یا واژه «تخفیف» یا به قول من «کمینه» را تبدیل کردید به «Off»! دوست من! هر زبانی ناگزیر از پذیرش لغات از زبان های دیگر است، اما باید این کلمات سنجیده و با کیفیت مطلوب و به اندازه با فرهنگ و زبان اصلی در طول زمان پیوند بخورد. همان گونه که زبان های دیگر از جمله عربی و انگلیسی نیز از زبان فارسی، کلمات بسیاری گرفته اند، زبان ما نیز می تواند این کار را بکند، اما به قاعده. ما باید بدانیم زبان فارسی با این همه شیرینی و حکمت و عرفان، گنجی است که خداوند به ما عطا کرده و توسط افراد بزرگی مانند حکیم فردوسی و شیخ اجل سعدی و دیگران به مرور صیقل خورده تا گنجینه ذهن و زبان ما را پر از در و گوهر کند. ما نباید جواهرات ارزشمند و زیبایی این گنجینه را با فلزات بدلی تعویض کنیم بلکه باید در پاسداشت آن کوشا باشیم. دوست عزیز فرصت اندک است و سخن بسیار. امیدوارم از سخنان من رنجیده خاطر نشده باشید. در نامه های بعدی، بیشتر در این باره برایت خواهم نوشت دیگر عرضی نیست، به امید دیدار. اسماعیل فریدونی

▪ کاریکلماتور

* نگفتن حرفی که ارزش گفتن دارد گناه است.

* برای کارهای صغری باید تصمیم گیری گرفت!

* آن قدر جاقی بود که چیزی به عرضش نمی رسید.

۷ نوامبر ۱۹۸۷ میلادی – وقوع کودتای آرام علیه «بور قبیله» دیکتاتور تونس

سال های حاکمیت خود، تمامی رُقبای سیاسی خود را با زندان، تبعید و تهدید از صحنه سیاست کشور خارج و ده ها مورد شورش و تظاهرات مردمی و مخالفت های اجتماعی را به مدد قوای نظامی سرکوب کرد. بورقبیله سرانجام در هفتم نوامبر ۱۹۸۷ با یک کودتای آرام و بدون خونریزی توسط «زین العابدین بن علی» – که یک ماه قبل، حکم وزارت کشور را از حبیب بورقبیله دریافت کرده بود– از کار برکنارشد. بن علی تا سال ۲۰۱۱ رئیس جمهور تونس بود.



▪ دی روزنامه

گاز مفت

گویا مد شده همه از درآمد خود بنالند. از شهروندی که بابت قبضی های ناقابل گاز و آب و برق شکایت می کند تا آقای «ب.ز» که می گوید «دو میلیاردیو رو برای من پول خرد است» و حتی خود دولت. یکی از مسئولان وزارت راه درباره ارزان بودن عوارض بزرگراه ها گفته: «حمل و نقل در کشور ما مفت است!» حالا درست است که قبض ها، مالیات، عوارض، حق بیمه و... سایر هزینه هایی که به دولت می هدیم کمرمان را دولا و سه لا و چهار لا کرده (تاخوداگاه یاد سوبله- چوبله افتادم!) ولی این دلیل نمی شود که دست روی دست بگذاریم و ناراحتی مسئولان را ببینیم. وقتی مدیری می گوید عوارض اتوبان ها مفت است، خودمان باید آستین بالا زده و کاری بکنیم. یا جلوی ادارات تجمع کنیم و خواهان افزایش چند برابر عوارض شویم، یا به صورت «همت عالی» در باجه های بزرگراه ها هرچه در جیب داریم پرداخت کنیم و بقیه اش را چک بکشیم یا درخواست کنیم یک بند دیگر به قبض گازمان به عنوان «عوارض گاز دادن در اتوبان» اضافه شود! خلاصه از بقیه سازمان ها هم می خواهیم اگر کم و کسری دارند، تعارف را کنار گذاشته و بگویند دیگر چه چیزهایی مفت است تا از خجالت شان در بیاییم!

▪ داستانک

آرزوی کوچک

پسر جوانی مشغول قدم زدن در ساحل بود که بطری کوچکی پیدا کرد. آن را برداشت و درش را باز کرد. غولی از داخل بطری بیرون آمد و گفت: «ممنون برای این که من رو بیرون آوردی. به عنوان قدردانی می خوام به آرزوی تو رو برآورده کنم.» پسر جوان گفت: «من همیشه دوست داشتم که به جزیره هاوایی برم، اما از هواپیما می ترسم و سفر با کشتی هم حالم رو بد می کنه. میشه تو از این جا تا هاوایی به جاده بسازی؟» غول گفت: «متأسفم، فکر نمی کنم بتوانم همچین کاری رو انجام بدم. به این فکر کن که برای ساختن یک بزرگراه چند تا ستون نیازه. چه عمقی از اقیانوس رو باید طی کنیم تا برسیم به کف آب. چون مسیر طولانیه، باید چند تا پمپ بنزین و استراحتگاه هم در مسیر ساخته بشه. نه نه... هر چی فکر می کنی، نمی توئم آرزوت رو برآورده کنم!» پسر جوان قانع شد و گفت: «قبول، حرفت منطقیه. پس می توانی یک خواسته دیگه من رو برآورده کنی؟ من همیشه آرزو داشتم که بتوانم خانم ها رو بشناسم. بدونم که چه چیزهایی خوشحال شون می کنه و چه چیزهایی ناراحت. بدونم که چرا گریه می کنن و چه وقت می خندن!» غول یک ثانیه فکر کرد و گفت: «دوست داری جاده ات به هاوایی چهار بانده باشه یا دو بانده؟!»

مترجم: دلارام کاردار



ایده و اجرا: صابری – مرادی